

کودتاهای ایران

نویسنده
سهراب یزدانی



نسترمای
تهران
۱۳۹۸

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۳	۱ درباره‌ی کودتا
۶۵	۲ براندازی مجلس اول
۱۲۷	۳ برچیدن مجلس دوم
۱۸۷	۴ سوم اسفند ۱۲۹۹
۲۷۵	۵ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۳۸۷	۶ الگوی کودتاهای ایران
۴۱۷	گزیده‌ی منابع
۴۲۵	نمایه

فصل یکم درباره‌ی کودتا

کودتا چیست؟

اصطلاح فرانسوی «کودتا»^۱ به معنی «ضربه بر دولت» است. مفهوم آن سرنگونی سریع دولت به دست گروهی توطئه‌گر است که به طور معمول نظامی‌اند. اما این اصطلاح سرنوشتی همانند بعضی واژگان سیاسی دیگر داشته است؛ فراوان به کار می‌رود، بی آن‌که در کاربردش دقت چندانی شود. از این اصطلاح برای اشاره به شورش نظامی، قیام مسلحانه، قدرت‌یابی حزب یا دسته‌ای سیاسی به یاری گروه‌های فشار و گاه از راه انقلاب، تقلب در انتخابات، سرکوب مخالفان، سیاست‌های اضطراری دولت و انواع رویدادهای دیگر استفاده می‌شود. در همه‌ی این موارد، می‌خواهند بگویند در میدان سیاست عمل غیرقانونی و آمیخته به خشونت انجام گرفته است. اما بهره‌گیری دلخواهانه از اصطلاح «کودتا» به این معنی نیست که تعریف درست و جامعی برایش وجود ندارد.

«کودتای نظامی» پدیده‌ای مشخص است و تعریفی دقیق به این شرح دارد: کودتا حرکتی است غیرقانونی که گروهی توطئه‌گر به دست نیروهای مسلح منظم و با اِعمال خشونت یا تهدید به بهره‌گیری از خشونت انجام می‌دهند. توطئه‌گران به طور مستقیم بر قلب دولت ضربه می‌زنند، اعضای دولت را برکنار می‌کنند و، چنان‌چه پیروز شوند، هیئت دولت جدیدی را بر سر کار می‌آورند.^(۱) حال این تعریف را بشکافیم و جزئیاتش را بررسی کنیم. کودتا همیشه حرکتی توطئه‌آمیز و

1. Coup d'Etat

غیرقانونی است و چیزی به نام کودتای قانونی وجود ندارد. این حرکت را نیروهای مسلح دولتی انجام می‌دهند، زیرا در هر واحد سیاسی مستقل دولتی بر سر کار است که اهرم‌های قدرت را در دست دارد و قوانین همان واحد سیاسی به آن مشروعیت می‌بخشند. برای واژگون کردن دولت از راه کودتا باید ابزار نظامی به کار بیفتد و این ابزار در اختیار ارتش است.^(۲) سرنگون کردن دولت به طور معمول به خشونت می‌انجامد و با آتش جنگ‌افزار صورت می‌گیرد. اما گاه تنها تهدید به استفاده از سلاح دولت را به تسلیم وامی‌دارد.

توطئه‌گران همیشه بخشی از بدنه‌ی سازمان دولتند. تصاحب قدرت نیز در درون نظام سیاسی موجود رخ می‌دهد و یک گروه حاکم بر جای گروه حاکم پیشین می‌نشیند.^(۳) البته می‌توان به مواردی اشاره کرد که کودتاگران، پس از دستیابی به قدرت، گروه حاکم را به طور کامل سرنگون کرده و تحرک طبقاتی را در جامعه شدت بخشیده‌اند. برای نمونه، در چند کشور، وابستگان به قشرهای متوسط جانشین اربابان فئودال و زمینداران بزرگ شده‌اند. اما در این موارد نیز، مانند کودتاهای دیگر، ابزار جابه‌جایی ارتش بوده که خود بخشی از نظام سیاسی موجود یا دولت به معنی وسیع کلمه شمرده می‌شود.

توطئه‌گران می‌خواهند اراده‌ی خود را بر جامعه تحمیل کنند و راه مطمئن برای رسیدن به این هدف از میان برداشتن دولت موجود است. آن‌ها برای این کار باید کانون‌های قدرت حکومتگران را تصرف کنند. به همین علت بود که گفته شد کودتاگران بر قلب دولت ضربه می‌زنند، یعنی مراکز اصلی و مهم دولتی را در اختیار خود می‌گیرند. بنابراین اگر پادگانی نظامی — حتی در پایتخت — نافرمانی کند، اما نظامیان سرکش قصد سرنگونی دولت را نداشته باشند، عمل آن‌ها را نمی‌توان کودتا شمرد. همچنین اگر نظامیان در بخشی از کشور سر به شورش بردارند و حتی مخالفت خود را با نظام حاکم اعلام کنند، اقدام آن‌ها را نمی‌توان کودتا نامید، مگر این‌که خود را برای سرنگون کردن دولت به پایتخت برسانند.

پیامدهای کودتا از حد جابه‌جایی هیئت دولت و گروه‌های حکومتگر فراتر می‌رود و ابعاد زندگی سیاسی را تغییر می‌دهد. این اقدام توازنی را که بین نیروهای سیاسی برقرار بوده است به صورتی تازه درمی‌آورد. نیروهای رقیب را از میدان بیرون می‌راند و اغلب سطح مشارکت سیاسی مردم را کاهش می‌دهد. همین‌طور

با استفاده از روش‌های نظامی و سرکوبگرانه می‌کوشد تحرک سیاسی را در جامعه کاهش دهد یا از میان بردارد.^(۴)

غصب حاکمیت با ابزار نظامی موضوع تازه‌ای نیست. چند پژوهشگر نخستین نمونه‌های کودتا را در تمدن‌های چند هزار سال پیش یافته‌اند. اریک کارلتون^۱ سرزمین مصر در سده‌ی چهاردهم پیش از میلاد را گهواره‌ی کودتاهای بعدی می‌داند.^(۵) سرداران در ایران ساسانی مدعیان تاج و تخت بودند. بهرام (وهرام) چوبین، فرمانده سپاه ایران، پادشاهی خسرو پرویز را نپذیرفت و به پایتخت سپاه کشید. خسرو گریخت و بهرام تاج شاهی بر سر نهاد. سرانجام خسرو به یاری رومی‌ها و ارمنیان بهرام را در هم شکست و او را از سرزمین ایران گریزاند.^(۶) در سال‌های پایانی پادشاهی ساسانیان، یکی از سپهبدان به نام رستم (رسته‌م) فرزند بر پایتخت دست انداخت و ملکه‌ی ساسانی، آذرمیدخت، را از تخت به زیر آورد و کور کرد. اما خود بر جای او نشست، بلکه به شاه‌سازی پرداخت. به این ترتیب، در مدت چهار سال، ده شاهنشاه بر امپراتوری ساسانی حکومت راندند.^(۷)

امپراتوری روم نیز آوردگاه سرداران جاه‌طلب بود. در این‌جا به یک نمونه اشاره می‌شود. در سال ۸۸ پیش از میلاد، مبارزه بین اشراف و جناح مردمی شدت گرفته بود. مردمی‌ها بر رقیب خود برتری نسبی یافتند و سردار اشرافی، سولا^۲، را از فرماندهی سپاه خاوری برکنار کردند. سولا خود را به سپاهیانش رساند، آن‌ها را به مخالفت با حکومت جدید برانگیخت و به رم لشکر کشید. او وارد پایتخت شد، قوانین ضد اشرافی را لغو کرد، قدرت جناح مردمی را از میان برداشت، هواداران خود را وارد سنا کرد و این مجلس اشرافی را به صورت برترین نهاد حکومتی درآورد.^(۸) اما مداخله‌ی منظم و پیاپی نظامیان رومی در دایره‌ی حکومت با پرتورین‌ها^۳ گره خورد. پرتورین‌ها گارد امپراتور بودند و وظیفه داشتند از او و شهر رم محافظت کنند. اما در روزگار پایانی امپراتوری کار به جایی کشید که همان نگهبانان امپراتوران را سرنگون می‌کردند یا می‌کشتند و امپراتور دیگری را بر جای می‌نشانند و امور حکومتی را زیر نظر خود می‌گرفتند.^(۹)

در سده‌های بعد و در جوامع مختلف، سایه‌ی مردان شمشیر بارها بر سر

1. Eric Carlton

2. Sulla

3. Praetorians